

## چپاول و غارت تبریز در دوران استبداد صغیر مطالعه موردنی: اموال کمپانی زیگلر

سجاد حسینی<sup>۱</sup>

جعفر آقازاده<sup>۲</sup>

حمیده آرمون<sup>۳</sup>

**چکیده:** جنگ‌های داخلی و محاصره تبریز در ایام استبداد صغیر موجب رواج نامنی و گشرش هرج و مرد در آن شد. ققدان امنیت ضربه سهمگینی بر پیکره اقتصاد شهر وارد ساخت. در فضای آشوبزده تبریز بسیاری از شرکت‌های بزرگ داخلی و خارجی دچار خسارات فراوانی شدند. نمایندگی کمپانی انگلیسی -سوئیسی زیگلر در تبریز که در این ایام بروقت ترین فعالیت‌های اقتصادی خود در ایران را تجربه می‌نمود، یکی از این آسیب‌دیدگان بود. بخش قابل توجهی از خسارات واردہ بر کمپانی زیگلر در جریان چاولگری‌های نیروهای حکومتی به سر کردگی رحیم خان چلیانلو و شکرالله خان شجاع نظام منابدی به باز آمد. اموال موجود در انبارها و نمایندگی‌های کمپانی‌های خارجی مستقر در تبریز و از آن جمله کمپانی زیگلر در جریان جنگ‌های داخلی تبریز توسط قوای دولتی به تاراج رفت. استقرار این انبارها و نمایندگی‌ها در بازار تبریز (معازه‌های مجیدالملک) و قرار گرفتن بازار در سرحد محلات مشروطه خواه و دولتی بر میزان این چاولگرگی افزود. بخش دیگری از این خسارات در راههای متنه به تبریز، خصوصاً مسیر ارتباطی تبریز با عثمانی (تبریز- طرابوزان) و تبریز با رویه (تبریز- جلفا) وارد شد. تحت تأثیر هرج و مرد و نامنی حاکم بر ایالت آذربایجان دوران استبداد صغیر، بخش اعظمی از مرسولات پستی و اموال کاروان‌های تجاری در مسیرهای مذکور به یغما رفت. قسمت قابل توجهی از این مرسولات و اموال متعلق به کمپانی‌های خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر بود. این یغماگری‌ها اعتراضات سفارت‌ها و کنسولگری‌های دولت‌های اروپایی همچون بریتانیا، آلمان و فرانسه را موجب شد. این دولت‌ها در رأس آن بریتانیا در راستای استیفای حقوق از دست رفته کمپانی‌های منضر خصوصاً کمپانی زیگلر نهایت تلاش و پیگیری خود را به کار بستند. این یژوهش بر آن است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی و به شووه توصفی تحلیلی ضمن مطالعه پیشنهاد فعالیت‌های اقتصادی کمپانی زیگلر در تبریز، به بررسی زیان‌های مادی واردہ بر این شرکت در جریان جنگ‌های داخلی تبریز در ایام استبداد صغیر پردازد.

### واژه‌های کلیدی: تبریز، انقلاب مشروطه، جنگ‌های داخلی، کمپانی زیگلر، چپاول و غارت

۱ استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) s.hoseini@uma.ac.ir

۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی. J.agazadeh@gmail.com

۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی. Armoon1370@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۹ تاریخ تایید: ۹۶/۱۰/۱۲

# Plundering and Looting Tabriz during the Minor Tyranny Period

## Case Study: Ziegler & Co. Properties

Sajjad Hoseini<sup>1</sup>

Jafar Aghazadeh<sup>2</sup>

Hamideh Armoon<sup>3</sup>

**Abstract:** Civil wars and the siege of Tabriz during the Minor Tyranny period caused widespread insecurity and spread of chaos. Insecurity has hit a strike on the Tabriz' economy. In the turbulent atmosphere of Tabriz, many large domestic and foreign companies suffered great losses. One of the damaged companies was the agency of the Anglo-Swiss Ziegler & Co. in Tabriz, which during this period experienced its most prosperous economic activities in Iran. A significant portion of the damage sustained by Ziegler & Co. was caused by the plunder of government forces headed by Rahim Khan Chelbianlou and Shokrullah Khan Shoja Nezam Marandi. The properties in the warehouses and representative offices of foreign companies based in Tabriz, including Ziegler & Co., was plundered by government forces during the Tabriz civil war. The deployment of these warehouses and dealers in the Tabriz market (Majid Al-Mulk shops) and location of the market between constitutional and state forces intensified the level of this plunder. Another part of these damages came to the roads leading to Tabriz, especially the Tabriz-Ottoman (Tabriz- Trabzon) and Tabriz-Russia (Tabriz-Jolfa) routes. Due to the chaos and insecurity prevailing in the state of Azerbaijan during the Minor Tyranny period, much of the postal items and properties of the caravans in the abovementioned routes were looted. A significant portion of these items and properties belonged to foreign companies, including Ziegler & Co. This looting caused the protests of embassies and consulates of European governments such as Britain, Germany and France. These governments, and at the top of them, the British Government, worked hard to enforce the rights of the affected companies, especially Ziegler & Co. The present study seeks to investigate the material losses suffered by the company during the civil wars via library and archival resources and in a descriptive-analytical method, while studies the economic activities of Ziegler & Co. in Tabriz during the days of Minor Tyranny.

**Keywords:** Tabriz, the Constitutional Revolution, civil wars, Ziegler & Co., plundering and looting

---

1 Assistant Professor, University of Mohaghegh Ardabili (corresponding author), s.hoseini@uma.ac.ir

2 Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili J.agazadeh@gmail.com

3 MA in History of Iran in the Islamic Era, University of Mohaghegh Ardabili Armoon1370@gmail.com

## مقدمه

آذربایجان و مرکز آن تبریز از گذشته‌های دور تاکنون یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی ایران به شمار می‌آید. عوامل متعددی چون واقع شدن در شاهراه ارتباطی شرق و غرب، استقرار در سرحدات شمال غربی ایران، جغرافیا و اقلیم مساعد برای تولیدات کشاورزی و دامی، تفوق کمی و کیفی جمعیت، تصاحب مکرر مرکزیت سیاسی دوستانه‌ای حکومتگر و ... زمینه‌ساز این برتری اقتصادی بوده است.

دوره قاجار را باید یکی از پررونق‌ترین ادوار اقتصادی آذربایجان و تبریز قلمداد کرد. در این دوره نه تنها دیگر خبری از نامنی‌های حاصل از جنگ‌های ایران و عثمانی دوران صفویه و جنگ‌های ایران و روس اوایل قاجار نیست، بلکه هم‌جواری با دو دولت عثمانی و روس، آذربایجان و تبریز را به قطب تجارت خارجی ایران مبدل ساخته است. در این برهه زمانی طبیعت نیز بسان دوره‌های قبل نامهربانی نمی‌کند و حوادث طبیعی سهمناک چون زلزله‌های ویرانگر تبریز دوره‌های پیش تکرار نمی‌گردد.

چنین موقعیت ممتازی نظر دولت روسیه و کشورهای اروپایی را به جانب آذربایجان و تبریز متوجه ساخت. در فضای مساعد عهد ناصری دولت‌های مذکور خود را به تبریز رساندند و تجارتخانه‌های خرد و کلان روسی و اروپایی در این شهر ایجاد شد. کمپانی انگلیسی-سوئیسی زیگلر<sup>1</sup> یکی از همین تجارتخانه‌ها است. عمله فعالیت‌های این کمپانی در تبریز معطوف صنایع قالی‌بافی بود. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز در آستانه دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی تبریز از رونق بسیار بالایی برخوردار بود. در این دوران نامنی‌ها و هرج و مرج‌های به وجود آمده موجب غارت اموال کمپانی شد. بخش اعظمی از این خسaran مادی در نتیجه تاراج نیروهای نظامی طرفدار محمدعلی‌شاه قاجار انجام گرفت.

این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی ضمن بازسازی بخشی از تاریخ اقتصادی شهر تبریز، در جهت پاسخگویی به این سؤال برآید که که نامنی حاکم بر شهر تبریز و ایالت آذربایجان در دوره استبداد صغیر چه تأثیری بر فعالیت کمپانی زیگلر داشت؟ در پاسخ به این سؤال این چنین مفروض است که نامنی‌های حاکم بر شهر تبریز و ایالت آذربایجان در دوران استبداد صغیر موجب غارت اموال کمپانی

1 Ziegler.

زیگلر در شهر تبریز و راههای متنه‌ی به آن شد و زمینه‌ی رکود فعالیت‌های اقتصادی این کمپانی را فراهم ساخت.

پیشتر موضوع فعالیت‌های نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز، زیان‌های واردہ بر آن در دوران جنگ‌های داخلی تبریز و در نهایت فرار سرمایه‌ی این شرکت از تبریز به صورت اختصاصی مورد مطالعه قرار نگرفته است. با این حال در بخش‌هایی از کتاب‌های به روز خامچی، پژوهشگر تاریخ محلی تبریز، مانند اوراق پراکنده تاریخ تبریز و بازار تبریز در گذر تاریخ، اطلاعات پراکنده و اندکی در این خصوص ارائه شده است.<sup>۱</sup>

همچنین آنت ایتیگ، در مقاله‌ای با عنوان «شرکت فرش زیگلر سلطان آباد»، ضمن بررسی عملکرد کمپانی زیگلر در سلطان آباد به صورت مجمل به فعالیت‌های این کمپانی در سایر نواحی و از آن جمله تبریز پرداخته است. هرچند اطلاعات این مقاله در خصوص نمایندگی تبریز کمپانی زیگلر اندک است، اما داده‌های آن در خصوص پیشینه فعالیت‌های زیگلر در پیش از آغاز به کار نمایندگی تبریز برای پژوهش حاضر سودمند خواهد بود.<sup>۲</sup> ژانت آفاری در کتاب تاریخ مشروطه ایران در مبحث مربوط به جنگ‌های داخلی تبریز، از خدمات واردہ بر اقتصاد این شهر سخن به میان آورده است. او در گزارش‌های خود از خسaran مادی شرکت‌های خارجی فعال در تبریز به صورت کلی و بدون اشاره به کمپانی زیگلر بحث کرده است.<sup>۳</sup>

## جنگ‌های داخلی تبریز

شهر تبریز و ایالت آذربایجان نقش ویژه‌ای در گسترش اندیشه‌آزادی خواهی و مبارزه با استبداد در دوران انقلاب مشروطه ایفا نمود. نخستین دوره از مجلس شورای ملی شاهد نقش آفرینی بر جسته نمایندگان این ایالت بود. این کارنامه درخشان در راه تحقیق آرمان مشروطه، دشمنی محمدعلی شاه را با آزادی خواهان آذربایجان برانگیخت. شاه مستبد قاجار با برقراری پیوند نزدیک با خوانین محلی آذربایجان در پی کاهش قدرت مشروطه خواهان این ایالت برآمد. با به توب بسته شدن مجلس شورای ملی در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ق. / ۲۳ ژوئن

۱ بهروز خامچی (۱۳۷۵)، بازار تبریز در گذر تاریخ، تبریز: آشینا، اتفاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، ص ۱۹۴؛ بهروز خامچی (۱۳۸۴)، اوراق پراکنده تاریخ تبریز، تبریز: فروغ آزادی، ص ۳۹۶.

۲ Annette Itting (1992), "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", *Iranian studies*, V. 25, NO. 1-2, pp. 103-110.  
۳ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱، ترجمه رضا رضائی، تهران: بیستون، صص ۲۸۴-۲۹۰.

۱۹۰۸م. بساط مشروطه در دیگر شهرهای ایران برچیده شد و کشاکش دو ساله مشروطه و استبداد با پیروزی وقت مستبدین به پایان رسید. اگر در دوره مجلس اول اکثریت مردم ایران در برابر استبداد می‌جنگیدند، در این دوره تنها شهر تبریز بود که مشعل آزادی را شعله‌ور نگه داشت. محمد علی شاه ضمن محاصره تبریز، تمام نیروی مادی و معنوی طرفداران خود را برای سرکوب مجاهدان مشروطه‌خواه این شهر به کار بست. هر چند مرکز اصلی در گیری‌ها شهر تبریز بود، با این وجود دیگر شهرهای ایالت آذربایجان نیز تحت تأثیر هیجانات آن قرار داشتند. در شرایط عدم استقرار حکومت مرکزی در تبریز و سرایت جنگ‌های تبریز به دیگر شهرهای آذربایجان، نامنی و هرج و مرج به وجود آمده نه تنها فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را دچار رکود کرد بلکه باعث چپاول و غارت سرمایه‌های شرکت‌های داخلی و خارجی فعال در این شهر شد.

جنگ‌های داخلی تبریز را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: در مرحله نخست، شهر به محلات مشروطه‌خواه و دولتی مبدل شد. محلات مشروطه‌خواه در جنوب رود مهران رود (میدان چای) و محلات دولتی در شمال آن قرار داشتند. تنها مورد استثناء در این خصوص، محله امیر خیز (امیره قیز) بود که با وجود واقع شدن در شمال رود مذکور از آرمان مشروطیت حمایت می‌کرد. علاوه بر محله امیر خیز دیگر محلات مشروطه‌خواه تبریز چون خیابان و نوبر از حمایت انجمن ایالتی برخوردار بودند. محلات دولتی نیز با سرکردگی محله سرخاب و شتربان تحت حمایت کنسول روس و انجمن اسلامیه قرار داشتند. در گیری‌های چند هفته نخست مشروطه‌خواهان و دولتیان تبریز با پیروزی مشروطه‌خواهان به پایان رسید.

در مرحله دوم، قشون سلطنتی به سرکردگی عین‌الدوله، حاکم جدید آذربایجان، وارد عمل شدند. فرمانده نظامی این نیروها، محمدولی خان تنکابنی بود که سلسه حمله‌های او از خارج شهر همواره با مقاومت مشروطه‌خواهان رو به رو شد و هیچ‌گاه قرین توفیق نگشت. در مرحله سوم، که از لحظه زمانی سه ماه پایانی محاصره تبریز را شامل می‌شد، آذوقه و مواد غذایی در شهر به پایان رسید<sup>۱</sup> و بسیاری از گرسنگی و بیماری جان دادند؛ اما شهر را تسليم نیروهای

<sup>۱</sup> در بخشی از گزارش‌های سفارت بریتانیا در خصوص اوضاع قحطی و گرسنگی در تبریز ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۷ق. آوریل ۱۹۰۹م. چین آمده است: «امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا باز کمیاب خواهد شد ... زن‌ها در یک امامزاده‌ای جمع شده برای نان فریاد و فغان می‌کنند» ر.ک: کتاب آبی گزارش‌های محروم‌وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، (۱۳۶۳)، ج. ۲، به کوشش احمد بشیری، تهران: نو، ص ۴۸۷.

دولتی نکردند. جنگ‌های داخلی و محاصره تبریز با مداخله قشون روسیه به پایان رسید.<sup>۱</sup> هر چند محاصره تبریز توسط مجموعه‌ای از برجسته‌ترین رجال دولتی وقت تحقق یافت، با این احوال بخش اعظمی از عملیات نظامی با هدف محدود ساختن هر چه بیشتر مشروطه‌خواهان تبریز توسط دو تن از حکام و خوانین محلی- شکرالله خان شجاع نظام مرندی و رحیم خان چلیانلو- صورت پذیرفت.

قتل و غارت و ایجاد رعب و وحشت در دل هواداران مشروطه از مهم‌ترین تاکتیک‌های مبارزاتی هواداران استبداد در تبریز و آذربایجان بود.<sup>۲</sup> بخش اعظمی از نیروهای حکام و خوانین محلی وابسته به محمدعلی‌شاه از عشایر و روستاییان منطقه بودند که با بی‌اطلاعی از مفهوم استبداد و مشروطه، در راستای تأمین منافع شخصی خود گام برداشتند و در صورت فراهم بودن زمینه از هرگونه غارت و چپاول اموال و سرمایه‌های موجود در شهر دریغ نکردند.<sup>۳</sup> بستن راه‌های ارتباطی تبریز، از دیگر راهکارهای مبارزاتی مستبدین برای به زانو درآوردن مجاهدان مشروطه خواه تبریز بود.

مبارزات شجاع نظام علیه مشروطیت در داخل شهر تبریز و در راه‌های متنهی به شهر خصوصاً راه مهم و استراتژیک جلفا- تبریز مشهود بود.<sup>۴</sup> وی در تمام نامه‌هایش به دربار تهران خود را «غلام خانه‌زاد» محمدعلی‌شاه معرفی نمود و این گفته را در عمل با کشتار مشروطیت تا ولتیماً توم، تهران: بایک، ص ۷۳؛ ادوارد براون (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر، ص ۲۲۲

<sup>۱</sup> مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت، (۱۳۶۳)، گزارش ایران، مقدمه سعید وزیری، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره، ص ۲۱۴؛ احمد کسری (۱۳۹۲)، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران: نگاه، ص ۲۵۰؛ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۱-۱۹۱۱، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون، ص ۷۹؛ عبدالحسین نوابی (۲۵۳۵)، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا ولتیماً توم، تهران: بایک، ص ۱۱۴؛ ادوارد براون (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران:

کویر، ص ۲۲۲

Edward Browne (1912), *The reign of terror at Tabriz*, Manchester: Taylor, Garnett, Evans & Co., pp. 16-17.

<sup>۲</sup> محمد باقر ویجوینی (۱۳۸۶)، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۵.

<sup>۳</sup> حیدرخان عمواوغلی (۱۳۹۲)، خاطرات حیدرخان عمواوغلی همراه با تصریرات منتشرشده حیدرخان به خط علی اکبر داور، به کوشش ناصرالدین حسین زاده، تهران: نامک، ص ۱۱۴؛ مهدی ملکزاده (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: سخن، ص ۱۱۱؛ آفاری، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶، ص ۲۸۶.

<sup>۴</sup> این راه نزدیکترین و سهل الوصول ترین راه ارتباطی بین تبریز و اراضی روسیه و اروپا به شمار می‌آمد. علاوه بر کلاهای اساسی چون نفت، قند، کبریت، بخش قابل توجهی از سلاح، مجاهدان قفقازی و اندیشه آزادیخواهی از همین راه به تبریز می‌رسید. ر.ک: احمد کسری (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ص ۸۰؛ اسماعیل امیر خیزی (۱۳۷۹)، قیام آذربایجان و ستارخان، تهران: نگاه، ص ۲۹۲

<sup>۵</sup> سید حسن تقی‌زاده (۱۳۷۲)، زندگی طوفانی، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی، ص ۱۱۴.

ارسال بمبی در داخل یک بسته پستی به خانه شجاع نظام در مرند و انفجار آن در ۱۳۲۶ق. ۲۷ اکتبر ۱۹۰۸م. به عمر او پایان دادند. پس از مرگ شجاع نظام، محمدعلی شاه قاجار سریعاً فرزند وی موسی‌الرضا را با لقب شجاع نظامی به حکومت مرند گماشت.<sup>۱</sup>

راهزنی و قطاع الطریقی بارزترین شاخصه شخصیتی رحیم‌خان چلیانلو محسوب می‌گشت. رحیم‌خان در آغازین روزهای انقلاب مشروطه در زندان محمدعلی شاه به سر برده. شاه قاجار با هدف سرکوب مجاهدان مشروطه‌خواه تبریز، رحیم‌خان را از زندان آزاد و به تبریز گسیل داشت.<sup>۲</sup> محمد آقا ایروانی توصیف جالبی از مأموریت رحیم‌خان در تبریز دارد: «رحیم‌خان قراداغی را که مدتی در طهران محبوس و مقید [بود] و تازه معفو و خلاص شده بود، ایضاً محروم‌مانه به تبریز فرستاده، اذن و تعلیم داد که رفته، از قتل و غارت و اسر اهل تبریز ذره‌ای فروگذار نکردد، آنچه در قوه دارد و می‌تواند در اضمار و اذیت به اهل تبریز ساعی باشد».<sup>۳</sup>

### زیگلر در تبریز

بازار گانی خارجی ایران در دوره قاجار گرچه موجب تضعیف صنایع سنتی ایران شد، اما بر روق صنایعی که خواهان خارجی داشت، افزود. از جمله این صنایع می‌توان به صنعت قالی‌بافی اشاره کرد. پیش از این قالی‌بافی عمدتاً یک صنعت ایلی یا روس‌تایی به منظور مصرف داخلی و یا صنعتی شهری برای مصرف نخبگان ایرانی بود، اما از اواسط قرن نوزدهم میلادی نفوذ رو به رشد فرش ایران در اروپا و آمریکا به تقاضای آن در بازار افزود و پیشرفت کشیرانی بخاری هزینه بالای حمل آن را بسیار کاهش داد. سرمایه‌داران انگلیسی، روسی و آلمانی در این صنعت سرمایه‌گذاری کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگی که گاه صدها کارگر داشتند در ایران به کار افتاد. میزان تولیدات فرش ایران به خاطر بازار بین‌المللی خوب و تقریباً انحصاری بسیار بالا رفت و در آستانه جنگ جهانی اول ارزش صادرات فرش تقریباً

۱ کسری، تاریخ مشروطه ایران، صص ۲۲۴-۲۲۳؛ ۸۰۳-۸۰۰؛ ویجویه‌ای، تاریخ انقلاب آفریباجان و بلوای تبریز، صص ۲۲۴-۲۲۳؛ قهرمان میرزا سالور عین‌السلطنه (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج. ۳، تصحیح مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: اساطیر، ص ۲۰۱؛ عبدالله مستوفی (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، ج. ۲، تهران: زوار، ص ۲۶۴.

۲ براون، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۴۵؛ احمد مجdal‌اسلام کرمانی (۱۳۵۶)، تاریخ انحطاط مجلس، تصحیح محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان، صص ۶۶-۶۷.

۳ محمد آقا ایروانی (۱۳۸۰)، «امتحنات از / تاریخ مشروطه ایران»، دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران، به اهتمام عبدالحسین زرین‌کوب، روزبه زرین‌کوب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ص ۹۳.

به یک هشتم کل صادرات ایران رسید.<sup>۱</sup>

شعبه‌ای از کمپانی واردات و صادرات سویسی ف. زیگلر در سال ۱۸۵۵ م. در منچستر تأسیس شد. در سال ۱۸۵۷ م. روهان فیلیپ زیگلر سویسی به سرپرستی این نمایندگی منصوب شد. شرکت زیگلر که سویسی‌اصل بود و فعالیت‌های تجاری خود را از تبریز با واردات قماش منچستر و صادرات ابریشم گیلان در دهه ۱۲۶۶ ق. ۱۸۵۰/۰۱ م. آغاز نمود و پس از ثبت شرکت در لندن رسماً تحت حمایت دولت بریتانیا قرار گرفت.<sup>۲</sup> این شرکت منسوجات پارچه‌ای را بیشتر از راه قفقاز و طرابوزان وارد ایران می‌کرد و مقر اصلی آنها در تبریز کار توزیع را در سرتاسر ایران انجام می‌داد. کمپانی زیگلر بیشتر کالاهای وارداتی خود را به تجار داخلی ایران می‌فروخت و بازار گانان ایرانی محصولات مذکور را در کل کشور پخش می‌کردند. این کمپانی در ازای واردات منسوجات پارچه‌ای به ایران، تریاک و ابریشم ایرانی را دریافت و از ایران صادر می‌کرد. شیع بیماری کرم ابریشم در دهه ۱۸۶۰ م. باعث روی آوری کمپانی زیگلر به سرمایه‌گذاری در حوزهٔ فرش شد. با افزایش تقاضا برای فرش ایرانی در بازارهای اروپایی، تمایل زیگلر برای تولید و صادرات فرش ایرانی بیشتر گشت.<sup>۳</sup>

کمپانی زیگلر علاوه بر تبریز دارای شعبی در سلطان‌آباد (اراک)، اصفهان، تهران، مشهد، یزد، رشت، بوشهر و شاهroud بود. این کمپانی از طریق واسطه‌هایی که در این شهرها داشت، فرش‌های نفیسی سفارش داده، می‌خرید و بیشتر به آلمان و انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی صادر می‌کرد.<sup>۴</sup> کمپانی زیگلر به صورت تخصصی صنعت قالی‌بافی را در تبریز و سایر مناطق ایران دنبال می‌کرد. طبق روش زیگلر تهیه نقشه و طرح قالی بر عهدهٔ بهترین نقاشان و

۱ پیتر آوری و دیگران (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران* (دورهٔ افشار، زند و قاجار)، از مجموعهٔ تاریخ کمبریج، ترجمهٔ مرتضی ٹاقبفر، تهران: جامی، صص ۴۹۹-۴۹۸؛ جان فوران (۱۳۸۵)، *مقاؤمت شکنندۀ: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویا تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: رس، صص ۱۹۷-۱۹۶.

۲ جورج ناتانیل کرزن (۱۳۸۰)، *ایران و قصبه ایران*، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، چ ۱، تهران: علمی فرهنگی، ص ۶۷۳؛ احمد اشرف (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، دورهٔ قاجاریه، تهران: زمینه، ص ۵۳.

R. P. T Davenport-Hines & Geoffrey Jones (1989), *British Business in Asia Since 1860*, New York: Cambridge University Press, pp. 34.

۳ Ittig, "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", pp. 105- 108.

۴ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمهٔ یعقوب آزاد، تهران: گستره، ص ۴۲۵؛ کرزن، ایران و قصبه ایران، ج ۲، ص ۶۸۳؛ سید محمد علی جمال‌زاده (۱۳۸۴)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سخن، ص ۵۴؛ کتاب آبی گزارش‌های محروم‌نه وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۲۶، ۱۲۸.

Michael Helfgott (1994), *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet*, Washington: Smithsonian Institution, pp. 213, 214; J. Bloom, Sh Blair (2009). *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture*, V1, Oxford: Oxford university press, pp. 288.

طراحان بود. طرح‌های مذکور باید مبتنی بر ذاتهٔ خریداران اروپایی باشد. پس در طرح‌های اصیل ایرانی دخل و تصرف‌هایی صورت می‌پذیرفت. رنگ‌آمیزی و ریسیدن خامه در محل کارگاه انجام می‌یافتد و باقتن آن گاه در خانه‌ها و گاه در کارگاه‌های متصرفه مراحل و زنان قالی‌باف صورت می‌گرفت.<sup>۱</sup> رمز موقعیت زیگلر در تصاحب بازارهای اروپایی، طراحی نقشه‌های فرش مطلوب اروپاییان بود. اقدامات این کمپانی نقش مهمی در توسعهٔ صنعت قالی‌بافی ایران ایفا نمود و از این زمان فرش ایران به صورت تجاری درآمده و طرح‌های نفیس و ابریشمی مطابق میل بازارهای اروپا طراحی و تولید گردید و حتی در رنگ و اندازه فرش‌های تولیدی تحولات زیادی رخ داد.<sup>۲</sup>

این کمپانی در زمینهٔ خرید آثار هنری نفیس ایرانی نیز فعال بود. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز بر اساس فرمان ملکهٔ ویکتوریا در اوایل قرن ۱۹م. در راستای جمع‌آوری آثار و نفایس هنری ایران و انتقال آن به موزهٔ ویکتوریا اند آلبرت لندن، وارد عمل شد و با آگاهی از وجود فرش نفیسی در بقعةٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی و قصد فروش آن توسط متولیان بقوعهٔ جهت تأمین هزینهٔ بازسازی سقف فروریختهٔ دارالحفظ، اقدام به خرید این شاهکار هنری و انتقال آن به موزهٔ مذکور کرد.<sup>۳</sup>

این کمپانی مغازه‌ها، کارگاه‌ها و املاک متعددی در تبریز داشت که سه مورد از آن قابل شناسایی است: (۱) نمایندگی زیگلر در محل مغازه‌های مجیدالملک یا مجیدیه واقع در شمال مهران‌رود (میدان چایی) و غرب پل قاری (قاری کورپوسی);<sup>۴</sup> (۲) اقامتگاه کارکنان اروپایی زیگلر در محلهٔ موسم به «زیغلار»<sup>۵</sup> واقع در انتهای کوی ارمنی‌نشین بارون آواک (بارناوا);<sup>۶</sup>

۱ سهراب بیزانی (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی، صص ۱۸-۱۹؛ س.ج.و. بنجامین (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، ترجمهٔ محمد حسین کردیجه، تهران: حاویدان، ص ۳۱۹.

۲ Helfgott, *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet*, pp. 356; L. Daniel Elton, ‘Alī Akbar Mahdī, (2006), *culture and customs of Iran*, London: Greenwood, pp. 143.

۳ فدریک چارلز ریچاردز (۱۳۷۹)، *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ترجمهٔ مهین دخت بزرگمهر، تهران: علمی فرهنگی، ص ۳۱۵؛ فدریش ڈاره (۱۳۸۵)، *اردیبل*: بقعةٌ شیخ صفی، ترجمهٔ صدیقه خوانساری موسوی، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۷۱. در نقشهٔ موسوم به «خریطهٔ شهر تبریز در حال انقلاب» ترسیم یافته در سال ۱۳۳۶ق. ۱۹۰۸م. محل مغازه‌های مجیدالملک کاملاً مشهود است. ر.ک: فرهاد فخار تهرانی و دیگران (۱۳۸۵)، *باخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*، تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، ص ۸۲.

۴ «زیغلار» تلفظ محلی واژهٔ «زیگلر» است. لغت «زیغلار» در زبان ترکی آذربایجانی به معنی توده گل و لای است و این تشابه به هنگام بررسی وجه تسمیه بدون مطالعهٔ تاریخ و پیشینهٔ این محله گمراحتنده است. ر.ک: خاماجی، *وراق پرائینه تاریخ تبریز*، صص ۱۹۳-۱۹۴.

### (۳) کارگاه قالیبافی زیگلر واقع در خیابان صائب.<sup>۱</sup>

#### زیگلر و مشروطه

انسداد راهها و نامنی‌های حاکم بر آذربایجان و تبریز دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی تبریز، هرگونه فعالیت اقتصادی در این منطقه و شهر را مختل ساخت. در چنین فضایی بسیاری از شرکت‌ها و کمپانی‌های داخلی و خارجی از آذربایجان و تبریز رخت بربستند و آنان که ماندند و یا نتوانستند خارج شوند، متحمل ضررها مادی بسیاری شدند. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز را باید یکی از این کمپانی‌های خارجی متضرر دانست.

زیان‌های اقتصادی وارد بر کمپانی زیگلر تبریز را می‌توان به زیان‌های اقتصادی وارد در داخل شهر و زیان‌های اقتصادی وارد در راه‌های متنه به شهر تقسیم نمود. بخش اعظمی از زیان‌های اقتصادی وارد بر زیگلر در داخل شهر تبریز، زمانی رخ داد که در گیری نیروهای مشروطه خواه و دولتی به حوالی بازار تبریز کشیده شد. خصوصاً اینکه بازار درست در میانه محلات مشروطه خواه و دولتی قرار داشت و به خاطر این موقعیت، گهگاه به خط مقدم جنگ‌های داخلی تبریز مبدل می‌شد. کشیده شدن زبانه‌های آتش در گیری به بازار، امنیت را از آن سلب کرد. بسیاری نیز مترصد چنین هرج و مرجی بودند تا از قبل تاراج و یغماگری، منافع مادی خود را تأمین نمایند. کسری در این باره می‌نویسد: «تبریز یک شهر بازრگانی است و بازارهای بسیار و سراهای بزرگ پر از کالاهای بازرنگانی می‌داشت، و این بود سواران و سربازان همیشه در آرزوی دست یافتن به آنجا و تاراج کردن می‌بودند، و هر زمان که فرست می‌یافتد خود را به آنجا می‌رسانیدند».<sup>۲</sup>

گزارش منابع طرفدار مشروطه حاکی از وجود تعداد قابل توجهی از افراد مترصد تاراج گری در میان نیروهای مسلح تحت لوای شجاع نظام و رحیم خان است. این گفته با توجه به تعدد گزارش‌های موجود در منابع تاریخ‌نگاری مشروطه، مطابقت آن با اسناد و

۱ دولتهای مسیحی اروپایی و امریکایی و هچنین شهروندان ساکن ایشان در تبریز همواره نمایندگی‌های سیاسی و مؤسسات اقتصادی و فرهنگی خود را در کوی‌های مختلف محله ارمنی نشین تبریز موسوم به «ارمنستان» ایجاد می‌نمودند. بی‌تردید این اقدام از حسیات مذهبی آنان سرچشمه می‌گرفت و اینکه ایشان احساس می‌کردند که زندگی در میان اقلیت مسیحی یک جامعه مسلمان می‌تواند تأمین کننده منافع مسیحیان داخلی و خارجی باشد.

۲ خامچی، اوراق پراکنده تاریخ تبریز، ص ۱۹۴-۱۹۳.

۳ کسری، تاریخ مشروطه ایران، ص ۷۱۱.

مدارک موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و همچنین خاستگاه و سابقه قطاع الطريقى بسیاری از این دسته‌های نظامی وابسته به محمدعلی‌شاه در آذربایجان، خصوصاً نیروهای تحت اقتدار رحیم‌خان، قابل قبول است.

ویجویهای تبدیل نزاع مشروطیت و استبداد به تاراج بازار تبریز را این چنین توصیف می‌کند: «اکثر سواره‌ها که به تاراج داخل بازار می‌شوند، مجاهدین تیراندازی و سواره‌ها مقابل به مثل می‌نمایند. از صدای تفنگ و واهمه گلوله به بازار داخل شدن امکان ندارد؛ و بسیاری از سواره‌ها در بازار به قتل می‌رسند. و سنگرهای مخصوص در بازار بسته شده. اگر محکم سنگربندی شود بازار محفوظ خواهد شد. کسبه از بازار مالها را خارج می‌نمایند». <sup>۱</sup> نیروهای طرفدار محمدعلی‌شاه که اغلب به امید غارت تبریز در این جنگ‌ها شرکت کرده بودند، حال که می‌دیدند مقاومت مجاهدان چنین اجازه‌ای را به آنها نمی‌دهد، بازار تبریز را طعمه خوبی برای غارت در نظر گرفتند و با کشاندن نبرد به این منطقه فرصت غارت را از دست نمی‌دادند.<sup>۲</sup> مهم‌ترین نبردی که در حوالی بازار تبریز رخ داد و آتش آن دامن اهل بازار اعم از کسبه داخلی و کمپانی‌های خارجی را گرفت؛ در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق. / ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۸م. به وقوع پیوست. این نبرد زمانی رخ داد که نیروهای دولتی از محله ششگلان و سرخاب قصد حمله به مجاهدان قفقازی را داشتند. این نبرد با شلیک گلوله‌های توپ از سوی نیروهای دولتی آغاز شد. دولتیان بعد از آن از موضع پل قاری (قاری کورپوسی) مغاره‌های نوساز موسوم به «مجیدالملک» یا «مجیدیه» را که همواره سنگ مشروطه‌خواهان بود مورد تهاجم قرار دادند. مغاره‌های مجیدالملک در جریان این درگیری‌ها طعمه حریق شد و پس از آن مورد چپاول نیروهای دولتی قرار گرفت.<sup>۳</sup> تصاویر موجود از این مغاره‌ها در بعد از غارتگری مذکور، نشانگر این واقعیت است که مهاجمان علاوه بر اموال، درها و پنجره‌های مغاره‌های مجیدالملک را به تاراج بردند و از آن مرکز تجاری معتبر، تنها دیوارهای بدون سقف نیمه ویران و دودگرفته‌ای بیش باقی نمانده است.<sup>۴</sup>

**تاراج کمپانی‌های خارجی هدف سرکردگان قوای دولتی نبود و این عمل به صورت**

۱ ویجویهای، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلایای تبریز، صص ۶۷-۶۸.

۲ قضیه فی الواقعه (۱۳۹۰)، رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۵۱۶.

۳ خامچی، بازار تبریز در گذر تاریخ، ص ۳۹۶.

۴ ابراهیم پور حسین خونیق (۱۳۹۰)، بنای و عمارت‌های تاریخی تبریز، تبریز: اختر، صص ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۷۱.

ناگهانی و از سوی نیروهای مسلحی صورت گرفت که پیشتر دستی در یغماگری داشتند. دلیل اصلی این گفته، آسیب دیدن مغازه‌های حاجی علیقلی بیگ نوروززاد، تبعه دولت روسیه، اصلی‌ترین دولت خارجی مخالف مشروطه است. عملی که به هیچ وجه نمی‌تواند از سوی قوای دولتی تجویز شده باشد. این حادثه به قدری برای دولت روسیه غیرقابل تحمل بود که کنسول روس در تبریز در انتقاد از عملکرد اسلامیه نشینان دولتی، به مقایسه امنیت بازار تبریز در زمان تسلط مشروطه خواهان متهم به بابی‌گری و دولتیان مدعی مسلمانی پرداخت و امنیت حاکم در دوره مشروطه خواهان را ستود. ثقہ‌الاسلام تبریزی سخنان کنسول روس در تبریز را چنین بازگو می‌کند: «غازه‌های ایالتی که در دست باییه بود یک سوزن از مال رعیت داخل و خارج تلف نشد تا به دست اسلامیه افتاد اموال به غارت رفت و مغازه‌ها عالیها سافلها شد». <sup>۱</sup> این سخنان از سوی مؤلف ناشناخته رساله کامه حق یراد بها الباطل در ۱۵ رمضان ۱۳۲۶ق. چنین بازگو شده است: «غازه‌ها تا در دست اشخاصی بود که آنها را بایی نامیده بودند یک دینار بر ما صدمه نرسید، ساعتی که به دست اسلامیه رسید، همه چیز رعیت ما به غارت رفت». <sup>۲</sup> روس‌ها در ۳ شعبان ۱۳۲۷ق. به قصد دریافت غرامت از رحیم‌خان وارد قراداغ شدند و خانه وی را در اهر محاصره کردند و پس از دریافت غرامت توسط یکی از متمولان اهر، به تبریز بازگشتد.<sup>۳</sup>

نیروهای دولتی و رحیم‌خان که غارت کننده بازار تبریز بودند، با ارسال تلگرافی به شاه نه تنها به این مسئله اشاره نکردند، بلکه غارت مغازه‌های مجیدالملک را به نیروهای طرفدار مشروطه متسب کردند.<sup>۴</sup> حال آنکه اگر مشروطه خواهان واقعاً قصد چنین کاری را داشتند، در مدتی که بازار در دست آنها بود، اقدام به غارت و چاپول آن می‌کردند. همچنین می‌توان این احتمال را داد که غارت اموال اتباع خارجی توسط طرفداران استبداد یک عمل عمدی بود، تا بهانه ورود روس‌های طرفدار استبداد به تبریز را فراهم نماید. نیروهای مشروطه خواه با درک این خطر، تمام هم و غم خویش را معطوف به حراست از اموال شرکت‌های

<sup>۱</sup> علی تبریزی (۲۵۳۵)، مجموعه آثار قلمی ثقہ‌الاسلام شهید تبریزی، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی، صص ۹۲، ۴۵۵.

میرزا علی ثقہ‌الاسلام تبریزی (۱۳۸۹)، رسائل سیاسی ثقہ‌الاسلام تبریزی، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: چشم، ص ۱۴۵.

<sup>۲</sup> کامه حق یراد بها الباطل (۱۳۹۰)، رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۱۲۷.

<sup>۳</sup> ناصر صدقی (۱۳۸۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره داغ) در دوره معاصر، تبریز: اختر، ص ۱۲۱.

<sup>۴</sup> کسری، تاریخ مشروطه ایران، ص ۷۰۷.

خارجی کردند. ستارخان از چندین شرکت اروپایی در تبریز نوشته گرفت که دفاتر شان تحت حفاظت مشروطه خواهان است و از عملکرد قوای مشروطه خواه «رضایت کامل» دارند. در این میان بنگاه‌های اقتصادی وابسته به روسیه از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بود و همواره از سوی مجاهدین مشروطه خواه حفاظت می‌شد.<sup>۱</sup>

میزان غارت از مجیدالملک به بیش از یک کرور (پانصد هزار تومان) می‌رسید.<sup>۲</sup> برخی از دولتیان اموال غارتی را در محلات دولتی ششگلان، باغمیشه و سرخاب به یک دهم قیمت اصلی می‌فروختند.<sup>۳</sup> این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد. نخست اینکه میزان کالاهای غارت شده بسیار زیاد بوده است. دوم اینکه یغماگران اغلب از نیروهای غیربومی قراداغ و مرند بودند و امکان نگهداری امتعه در تبریز و یا انتقال آن به موطن برایشان میسر نبود.

خسارت‌های واردہ بر شرکت‌های خارجی ساکن در مغازه‌های مجیدالملک از سوی دولت‌های خارجی پیگیری شد. در این بین سفارت بریتانیا در تهران در حمایت از کمپانی زیگلر شکایت خود را به وزارت خارجه ایران ارسال داشت. در این شکایت از به تاراج رفتن بخشی از اموال کمپانی زیگلر که در نزد دلال محلی این کمپانی موسوم به مشهدی زین العابدین در محل مغازه‌های مجیدالملک نگهداری می‌شد، سخن به میان آمد. بر این اساس دولت بریتانیا شجاع نظام و رحیم خان را عامل اصلی این یغماگری دانست و بر جبران زیان‌های وارد تأکید نمود.<sup>۴</sup>

#### جدول ۱. سیاهه خسارات مادی واردہ بر زیگلر تبریز در داخل تبریز

ردیف	نوع کالا	مقدار	ارزش نقدی
۱	نخ پنبه	۸ صندوق	۱۴۰۰ تومان
۲	شمع	۵۰ صندوق	۲۶۲ تومان و ۵ قران
۳	پول نقد	۲۱ تومان	۲۱ تومان
جمع کل		۱۶۸۳ تومان و ۵ قران	

۱ آفاری، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶، صص ۲۸۹، ۲۸۴.

۲ ویجویه‌ای، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلواری تبریز، ص ۶۸.

۳ محمد تقی جوراجچی (۱۳۸۶)، حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمد تقی جوراجچی، تصحیح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۱۴۹.

۴ مرکز استناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۱.

پیگیری‌های دولت ایران از سه کانال وزارت خارجه، وزارت داخله و حکومت آذربایجان تداوم یافت و در این خصوص دستوری مبنی بر تحقیق از مشهدی زین‌العابدین دلال محلی زیگلر در تبریز صادر نمود. در دستور مذکور بار دیگر سیاهه خسارت مورد ادعای سفارت بریتانیا به ارزش ۱۶۸۳ تومان و ۵ قران تکرار گشت.<sup>۱</sup>

با به اثبات رسیدن ادعای دولت بریتانیا مبنی بر خسارت زیگلر در حادثه مغازه‌های مجیدالملک، وزارت خارجه و داخله ایران، حکومت آذربایجان را مأمور احراق حقوق زیگلر از عاملان اصلی شجاع نظام و رحیم خان کرد. حکومت آذربایجان نیز طی گزارش‌هایی اعلام داشت که شجاع نظام مرندی مرده است و جانشین و وارث او شجاع نظام دوم سخت بیمار است از این رو استرداد خسارت از وی تا بهبودی به تعویق خواهد افتاد. با این احوال اردوبی برای گوشمالی رحیم خان و بازپس‌گیری حقوق مربوط به زیگلر از او اعزام شد.

## جدول ۲. تقویم مکاتبات در خصوص غرامت کمپانی زیگلر تبریز

تاریخ	رویداد
۲۹ جمادی الثاني ۱۳۲۶ق. / ۲۸ زوئیه ۱۹۰۸م.	غارت نمایندگی زیگلر در تبریز
۳ شعبان ۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. آگوست	شکایت سفارت بریتانیا از وزارت خارجه ایران و طلب غرامت
۴ شعبان ۱۳۲۷ق. / ۲۰ آگوست ۱۹۰۹م.	پیگیری وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران و طلب خسارت از پسر شجاع نظام متوفی و رحیم خان
۹ شعبان ۱۳۲۷ق. / ۲۵ آگوست ۱۹۰۹م.	درخواست وزارت خارجه ایران از کارگزاری تبریز جهت تحقیق خسارت از دلال محلی زیگلر در تبریز
۱۳ رمضان ۱۳۲۷ق. / ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹م.	درخواست وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران در خصوص طلب تیجه تحقیقات درباره خسارت زیگلر از حکومت ایالت آذربایجان

۱ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۳۲، ۴۴.

## ادامه جدول

تاریخ	رویداد
۲۳ رمضان ۱۳۲۷ق. / ۱۷ آکتبر ۱۹۰۹م.	پاسخ حکومت ایالت آذربایجان به وزارت داخله مبنی بر مرگ شجاع نظام، بیماری فرزندش و احراق حق بعد از بهبود، گسیل ارتش جهت گوشمالی رحیم خان و استرداد اموال غارتی زیگلر
۸ شوال ۱۳۲۷ق. / ۲۲ آکتبر ۱۹۰۹م.	پیگیری مجدد وزارت داخله ایران از حکومت ایالت آذربایجان درباره نتیجه تحقیقات و اقدامات

بخش دیگری از زیان‌های اقتصادی واردہ بر زیگلر در تبریز در اثر نامنی راه‌های متنهی به شهر در ایام مشروطیت صورت پذیرفت. نامن بودن راه‌ها و راهنمی قافله‌های تجاری در ایالت آذربایجان مسیوک به سابقه بوده است. راهنمی از کاروان‌های تجاری خارجی در آذربایجان عهد ناصری به یک بحران و مسئله عمدہ برای دولت قاجار بدل شده بود. این مسئله و سایر مسائل سرحدی باعث شد که ناصرالدین شاه قاجار در ۱۳۱۲ق. / ۱۸۹۵م. کارگزاری خارجه آذربایجان را به عنوان شعبه‌ای از وزارت خارجه برای رسیدگی به این امور تأسیس نماید.<sup>۱</sup> نکته جالب توجه اینکه یکی از نخستین مأموریت‌های این کارگزاری احراق حق کمپانی زیگلر در خصوص سرقت بخشی از مال التجاره این کمپانی در سال ۱۳۱۰ق. / ۱۸۹۳م. در مسیر تجاری تبریز- طرابوزان در حوالی خوی بود.<sup>۲</sup>

با این احوال جنگ‌های داخلی آذربایجان بر ققدان امنیت در این ایالت سرحدی و قطب تجارت و بازرگانی ایران عهد قاجار افزود و موجب نامن‌تر گشتن مسیرهای تجاری آن برای کاروان‌های داخلی و خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر شد. اغلب حوادث مربوط به غارت اموال زیگلر در راه‌ها، در دو مسیر طرابوزان- تبریز و جلفا- تبریز اتفاق افتاد و به نوعی نیروهای شجاع نظام و یا رحیم خان در آن دخیل بودند.

بنا بر شهادت‌نامه‌ای که از سوی فردی بنام مشهدی محمد شتردار تاج احمدی در ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق. / ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹م. تنظیم شده است، دزدیده شدن یک صندوق مربوط

۱ ایرج افشار (۱۳۸۰)، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ج. ۲، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص. ۲۹۷

۲ همان، ص. ۳۱۱

به زیگلر تبریز توسط سوارهای رحیم خان در نزدیکی روستای الوار مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق. / ۱۳۲۷ آگوست ۱۹۰۹م. که از سوی وزارت خارجه به کارگزار خارجه آذربایجان ارسال شده، ادعای سفارت آلمان در تهران مبتنی بر دزدیده شدن ۹ طغرا پاکت حاوی ۴۲۴ مارک پول مربوط به عامل شرکت زیگلر در تبریز مطرح گشته است. در این نامه شجاع نظام به سوت ۵ طغرا پاکت و رحیم خان به دزدیدن ۴ طغرا پاکت متهم شده است.<sup>۲</sup>

این حقیقت در گزارش مربوط به رئیس اداره پست آذربایجان به وزارت پست و تلگراف دولت علیه ایران تکرار و تأیید می‌گردد. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «پاکت‌های تحت نمرات ذیل را (۶۲۵) (۶۲۶) (۷۵۶) (۷۵۷) سوارهای رحیم خان چلیانلو در الوار بسرقت و غارت برده‌اند و نیز مراسلات نمرات ذیل را هم (۵۲۸) (۵۲۹) (۵۳۰) (۵۳۱) (۵۵۲) سوارهای شجاع نظام بنهبه و سرت برده‌اند»<sup>۳</sup>

چند ماه بعد در ۷ شوال ۱۳۲۷ق. / ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹م. وزیر مختار آلمان در تهران از سرقت یک صندوق حاوی اسباب علاقه‌بندی در راه طرابوزان-تبریز خبر می‌دهد. این محموله که ۴۵۶ مارک و ۱۵ فینک ارزش داشت از سوی شرکت گنرو رتری<sup>۴</sup> به شرکت زیگلر در تبریز ارسال می‌شد.<sup>۵</sup> در سندي دیگر از دزدیده شدن یک محموله پستی مربوط به کمپانی زیگلر تبریز به وزن ۱۰۶۰ مثقال در ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۶ق. در روستای گلفرج جلفا خبر داده شده است.<sup>۶</sup>

در ۲۴ محرم ۱۳۲۸ق. / ۴ فوریه ۱۹۱۰م. وزارت داخله طی نامه‌ای به حکومت ایالت آذربایجان از شکایت سفارت بریتانیا در تهران در خصوص دزدیده شدن یک صندوق محمل به ارزش ۵۳ لیره و ۷ شلینگ خبر می‌دهد. متهم اصلی این قطاع الطريقی سوارهای رحیم خان معرفی شده‌اند.<sup>۷</sup>

۱ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش. ۳.

۲ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۲، ش. ۱۶.

۳ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۲۸، ش. ۱.

۴ Gorner & Rotzer.

۵ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش. ۴.

۶ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش. ۴.

۷ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵، پرونده ۹، ش. ۴.

جدول ۳. سیاهه خسارات مادی واردہ بر زیگلر تبریز در راههای منتهی به تبریز

ردیف.	نوع کالا	ارزش کالا	محل دزدی	متهم	تاریخ گزارش
۱	صندوق مال قونپانیه زیگلر	----- ---	نزدیکی روستای الوار (مسیر طرابوزان- تبریز)	سوارهای رحیم خان	۲۶ جمادی الثانی ۱۴/ق. ۱۳۲۷ ژوئیه ۱۹۰۹
۲	طغرا پاکت‌های پستی	۴۲۴ مارک	-----	سوارهای شجاع نظام سوارهای رحیم خان	۲۷ ربیع ۱۳/ق. ۱۳۲۷ اگوست ۱۹۰۹
۳	صندوق حاوی اسباب علاقه‌بندی	۴۵۶ مارک و فینک	(مسیر طرابوزان- تبریز)	----- ---	شوال ۷ ۲۲/ق. ۱۳۲۷ اکتبر ۱۹۰۹
۴	فقره امانت گمپانی زیگلر به وزن ۱۰۶۰ متنقال	قیمتی ندارد	گافرج جلفا (مسیر جلفا- تبریز)	----- ---	۲۵ ذیقده ۷/ق. ۱۳۲۷ دسامبر ۱۹۰۹
۵	صندوق مخمل	۷ لیره و ۵۳ شلنگ	راه خوی- تبریز (مسیر طرابوزان- تبریز)	سوارهای رحیم خان	۲۴ محرم ۴/ق. ۱۳۲۸ فوریه ۱۹۱۰

علاوه بر زیگلر بسیاری دیگر از کمپانی‌ها و تجار خارجی از نامنی موجود در شهر تبریز و راههای منتهی به آن در عهد استبداد صغیر متضرر شدند. از آن جمله می‌توان به کمپانی‌های خارجی چون نمایندگی شرکت گرنز و رتس<sup>۱</sup> در شهر کمنیتس<sup>۲</sup> آلمان، نمایندگی شرکت کاپس و کلینر<sup>۳</sup> در شهر استانبول<sup>۴</sup>، گیریاکی و گوسلانر تجار تبعه سوئیس<sup>۵</sup> اشاره کرد.

بسیاری از سفارت‌های اروپایی در تهران چون سفارت بریتانیا، آلمان و فرانسه پیگیر دریافت غرامت کمپانی‌ها و تجار و از آن جمله کمپانی زیگلر بودند. فشارهای واردہ بر وزارت خارجه از سوی این سفارت‌خانه‌ها به قدری بود که این وزارت طی نامه‌های متعددی کارگزاری وزرات خارجه در آذربایجان، وزارت داخله و وزارت پست و تلگراف را در خصوص ارائه گزارش درباره چند و چون وقایع و ایجاد زمینه پرداخت غرامت به متضرران خارجی مأمور نمود. این پیگیری‌ها در دوران تبعید خودخواسته رحیم‌خان چلیانلو به روسیه و ترور شکرالله خان شجاع نظام مرندی صورت گرفت. در چنین حالتی مسئولیت پرداخت غرامت به وارشان ایشان انتقال یافت. فرزندان رحیم‌خان و موسی‌الرضا وارث ذکور و جانشین شجاع نظام راه پدر را در تاراج و غارتگری می‌پیمودند. لذا بحران در حاکمیت دولت مرکزی و نامنی فراگیر در سراسر کشور به همراه بهانه‌تراشی‌های فرزندان رحیم‌خان و شجاع نظام منجر به بسیج نیزه ماندن پیگیری‌های مذکور گردید.<sup>۶</sup> این مسئله ریشه اصلی توقف فعالیت‌های شرکت زیگلر در تبریز و گسترش فعالیت آن در سلطان‌آباد بود که به خاطر نزدیکی به تهران و شاهراه ارتباطی ایران به بغداد از موقعیت استراتژیک و امنیت نسبی بهتری برخوردار بود.<sup>۷</sup>

### نتیجه‌گیری

هرج و مرج و نامنی حاکم بر آذربایجان و تبریز در دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی

۱ Firma Görner and Rötzer.

۲ Chemnitz.

۳ Firma Kaps and Kleiner.

۴ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.

۵ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵، پرونده ۱۱، ش ۶

۶ ویجوبهای، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، ص ۸۴ علی تبریزی (۲۵۳۵)، مجموعه آثار قلمی نقه‌الاسلام شهید تبریزی، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی، صص ۹۱-۹۲-۹۳-۹۴؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱، ش ۱؛ انجمن تبریز، س ۳، ۱۰ شوال ۱۳۲۶ق.

۷ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵، پرونده ۱۰، ش ۲۵، ۲۶، ۲۸.

۸ Ittig, "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", pp. 109.

تبریز، شرایط انجام هرگونه فعالیت اقتصادی را محدود ساخت. در چنین فضایی علاوه بر کسبه داخلی، بسیاری از شرکت‌های خارجی حاضر در تبریز نیز دچار خسaran و زیان شدند. کمپانی زیگلر یکی از این شرکت‌ها بود. زیان‌های مادی واردہ بر زیگلر در تبریز به دو بخش زیان‌های واردہ در داخل شهر و زیان‌های واردہ در راههای متنه به شهر قابل تقسیم است. در هر دو مورد نیروهای سواره تحت انتیاد شکرالله خان شجاع نظام مرندی و رحیم‌خان چلیانلو نقش اساسی داشتند. این وضعیت نابسامان به وجود آمده برای شرکت‌های خارجی، موجب اعتراض دولت‌های بیگانه مانند روسیه و بریتانیا شد. بیم آن می‌رفت که دولت روسیه از مسئله برای ورود نظامی به ایالت آذربایجان و عرصه جنگ‌های داخلی تبریز بهره‌برداری کند و مسئولیت آن را متوجه قوای مشروطه خواه سازد. سران مشروطه با آگاهی از این وضعیت در صدد حراست از اموال شرکت‌های خارجی مستقر در تبریز برآمدند. هرچند این تلاش‌ها نتوانست امنیت کامل شرکت‌های مذکور را تأمین کند، اما وجهه بسیار مثبتی از مشروطه خواهان در افکار دولت‌های خارجی ترسیم نمود. با ورود نیروهای نظامی روسیه به تبریز و برقراری امنیت در شهر، شرایط برای پیگیری شکایات شرکت زیگلر از طریق وزارت خارجه فراهم شد، اما با ضعف فزاینده قدرت دولت مرکزی ایران و ناامنی ادامه‌دار در گوش و کنار کشور، این اعتراضات راه به جایی نبرد.

## منابع و مأخذ

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*: دورهٔ فاجاریه، تهران: زمینه.
- افشار، ایرج (۱۳۸۰)، *دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی*, ۲، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- امیر خیزی، اسماعیل (۱۳۷۹)، *قیام آذربایجان و ستارخان*, تهران: نگاه.
- انجمن تبریز (شوال ۱۴۲۶ق.), س. ۳، ش. ۱۰.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*, ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایروانی، محمد آقا (۱۳۸۰)، «[منتخبات از] تاریخ مشروطه ایران», دورساله درباره انقلاب مشروطیت ایران، به اهتمام عبدالحسین زرین‌کوب، روزبه زرین‌کوب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- آفاری، رثأت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*, ترجمه رضا رضابی، تهران: بیستون.
- آوری، پیتر و دیگران (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران (دورهٔ افشار، زند و قاجار) از مجموعه تاریخ کمبریج*, ترجمه

- مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهربنی قزوینی، تهران: کویر.
- بنجامین، س.ج.و. (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمد حسین کردچه، تهران: جاویدان.
- پورحسین خوئیق، ابراهیم (۱۳۹۰)، بناها و عمارت‌های تاریخی تبریز، تبریز: اخت.
- تبریزی، علی (۲۵۳۵)، مجموعه آثار قلمی ثقة‌الاسلام شهید تبریزی، تصحیح نصرت‌الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۲)، زندگی طوفانی، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی.
- ثقة‌الاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۸۹)، رسائل سیاسی ثقة‌الاسلام تبریزی، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: چشم.
- جمالزاده، سید محمد علی (۱۳۸۴)، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، تهران: سخن.
- جورابچی، محمد تقی (۱۳۸۶)، حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمد تقی جورابچی، تصحیح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خاماچی، بهروز (۱۳۷۵)، بازار تبریز در گذر تاریخ، تبریز: آشینا، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز.
- (۱۳۸۴)، اوراق پرآکنده تاریخ تبریز، تبریز: فروغ آزادی.
- ریچاردز، فردیک چارلز (۱۳۷۹)، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت بزرگ‌هر، تهران: علمی فرهنگی.
- رئیس‌نیا، رحیم (۲۵۳۵)، عزیر حاجی‌بیکوف و اتحاد اسلام، تهران: چاپار.
- زار، فردیش (۱۳۸۵)، اردبیل: بقیه شیخ صفی، ترجمه صدیقه خوانساری موسوی، تهران: فرهنگستان هنر.
- صدقی، ناصر (۱۳۸۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره داغ) در دوره معاصر، تبریز: اخت.
- عمو اوغلی، حیدرخان (۱۳۹۲)، خاطرات حیدرخان عموماً غلی همراه با تحریرات منتشرنشده حیدرخان به خط علی اکبر داور، به کوشش ناصرالدین حسین زاده، تهران: نامک.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۳، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فخار تهرانی، فرهاد؛ فرامرز پارسی، امیر و بانی مسعود (۱۳۸۵)، بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز، تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- فوران، جان (۱۳۸۵)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویان تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قضیه فی الواقعه (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- کتاب آبی (۱۳۶۳)، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۱ و ۲، به کوشش احمد بشیری، تهران: نو.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قصبه ایران، ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی فرهنگی.
- کریمیان، علی (۱۳۸۵)، «اسنادی از مخالفان مشروطه (رحیم خان چلیانلو)»، گنجینه استاد، ش ۶۲.
- کسری، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر.
- ---- (۱۳۹۲)، تاریخ هجانه ساله آذربایجان، تهران: نگاه.
- کلمه حق یراد بھا الباطل (۱۳۹۰)، رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مجdal‌الاسلام کرمانی، احمد (۲۵۳۶)، تاریخ انحطاط مجلس، تصحیح محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱، ش ۱.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۲، ش ۱۶.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش ۴.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۳.
- ---- کارتن ۴، پرونده ۲۸، ش ۱.
- ---- کارتن ۵ پرونده ۱۱، ش ۶.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۱.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۲۵.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۲۶.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۲۸.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۳۲.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۴.
- ---- کارتن ۵، پرونده ۹، ش ۴۴.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، ج ۲، نهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: سخن.
- نوابی، عبدالحسین (۲۵۳۵)، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، تهران: بابک.
- ویجویه‌ای، محمد باقر (۱۳۸۶)، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلواری تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: امیر کبیر.

- هدایت، مخبرالسلطنه، مهدیقلی (۱۳۶۳)، *گزارش ایران، مقدمه سعید وزیری، به اهتمام محمد علی صوتی،* تهران: نقره
- بزدانی، سهراب (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه،* تهران: نی.
- Bloom, J. & Blair, SH (2009), *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture,* Oxford: Oxford university press.
  - Browne, Edward (1912), *The reign of terror at Tabriz,* Manchester: Taylor, Garnett, Evans & Co.
  - Davenport-Hines R. P. T & Jones, Geoffrey (1989), *British Business in Asia Since 1860,* New York: Cambridge University Press.
  - Elton L. Daniel, & 'Alī Akbar Mahdī (2006), *Culture and customs of Iran,* London: Greenwood.
  - Helfgott, Michael (1994), *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet,* Washington: Smithsonian Institution
  - Ittig, Annette (1992), "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", *Iranian studies*, V.25, NO. 1-2.